

# فریاد آزادی

دختر خورشید در گرداب ظلمت رقت ، تن شوید !

روز با آوای لرزان ، دیو ظلمت را خبر می کرد

لحظه ها خورشید را تا مغرب خاکستری میراند

شب میان کوچه ها گوئی که پاورچین گذرمی کرد

شهر سر بروی زانو داشت

شعله ها در پیه سوز خانه های شهر رمضان ، دود می گردد

لای لای مادران در لایلابی شب نهران می شد

آخرین فانوس ها بایکدیگر بدرود می کردند

کاخ استبداد پابرجا تر از هر وقت پیشین بود

زورگو سرمست از خون دل بیچارگان در خواب می غلطید

بانگ مظلومان ز عدتیر ظالم در گلو می مرد

جهل و بدبختی بروی مردمان مکه می خندید

ظلمتی بود و در آن ظلمت خروش دادخواهی ها ،

به گوش عرش تا اوج خدا می رفت و می پیچید

ستمگر لب به جام و دیده بر رقص کنیزان داشت

تو گوئی مکه زیر رعد شلاق گنه کاران بد کردار می لرزید

\* \* \*

در این سوگوهی بر سینه خونین مکه ، خود نمائی داشت

و آن گوهر نشان رنج ابراهیم را در سینه می پرورد

در آن ساعت که شب بر دیده ، عطر خواب می پاشید

به خلوت ماه ، چتر نور را بر کعبه می گسترده

سرای پاک ابراهیم از تنها ملوث بود

و چوین بیکران در خویشتن بودند و من خاموش

هزاران قطره اشک گرم باخون آشنا بر خاک

هوای کعبه درد آلود ، فضای سینه ها پر جوش

مکیان در زیر چتر جهل و مست از خواب غفلت زان

دختران مطرود از آغوش گرم مادران ، در چاله ها مدفون !

جامه ها از هجران نوباوگان مرده در گور جهالت چاک

سینه های مادران پر شیر ، چشم های بی فروغ مادران پر خون !

در آن سو « کوه نور » از آتش یک انتظار جانفزا می سوخت

رهروی آرام ، چون قوی سبکبالی بدریاره می پیمود

برگ زرد ماه با دیدار او ، نور دگرگون بر زمین پاشید



کوه نور از شوق این دیدار ، سر بر آسمان می‌سود

\* \* \*

آن‌امین مکه و آن‌همدم غار حرا از راه می‌آمد

او که دریای نگاهش موج حیرت را ببط ساحل چشم خرد می‌سود

او که در سرچشمه اندیشه‌های گرم ، تن می‌شست

حرا ، او را به چشم خویشتن می‌دید ، آری او محمد (ص) بود

امشب این مهمان‌ماه و کوکب و شب ، حال دیگر داشت

دلش در شعله دلسوزان یک‌راز نهانی بود

لبش خاموش اما در درون از انقلابی جانفزا درخویش می‌پیچید

تو گوئی دست او بر نبض تند وعده‌های آسمانی بود

خدا در بارگاه کبریایش دیده بر حال محمد (ص) داشت

و بر غار (حرا) از شاخه شب‌ها هزاران گوهر الماس می‌بارید

ملایک لای‌لای خوابشان نام محمد (ص) بود

خدا در شهر شب میلیاردها خورشید می‌پاشید

\* \* \*

بنا که نوری از مرز نهایت ، آشکارا شد

صدایی گرم چون نجوای بارانی بدشت تشنه ، گفتا :

(ای محمد . ای رسول آخرین ، برخوان) ..

محمد دیده برهم زد ، گمان می‌کرد او را خواب بر بوده است !!

صدا تکرار شد بر خوان ! رسول آخرین ، برخوان !

امین مکه . برخوان : آدمی را آفرید از خون بسته ذات‌پاک حق

محمد با صدائی کز دیار بهت برمی‌خاست پاسخ داد :

من خواندن نمی‌دانم ، نمی‌دانم !!

به خلوت چشمه‌ای از حکمت و دانش بجان پاک او تابید

و جبریل امین تاج نبوت را بدست خویش بر روی سرش بنهاد

خدا بر لوحه پیغمبری مهر تمامت زد

سبا فریاد آزادی به اقلیم اسارت برد و بر مردم بشارت داد

محمد خاتم پیغمبران از غار بیرون شد

درونش پر ز غوغا در خیالش عطر رازی بود

به آرامی بسوی شهر جهل و فقر می‌آمد

«حرا» در زیر لب می‌گفت : ای آرام جان بدرود !



با آنکه ممکن است درجات مختلف، رشد کند با این حال وجود هر یک از برگهای آن قویاً به ریشه مربوط می شود. برای درک واقعی هر جنبه ای از حیات اسلامی لازم است ریشه اش را پیدا کنید در غیر این صورت هرگز روح حقیقی مطلب را درک نخواهیم کرد.

(مجله سروش شماره ۳۸)

بلکه سیستمی بسیار منظم و کلیتی پیوسته است که بر مجموعه معینی از اصول روشن و مشخصی استوار می باشد. عقاید عمده و همچنین قوانین رفتاری مشروح آن هم از اصول اساسی این دین مشتق شده و از نظر منطقی به این اصول مربوط است همچنانکه ریشه های یک درخت از دانه منشاء گرفته و سبب رشد ساقه می شود، درخت اسلام هم

\* \* \*

✿ حکومت مردمی ایران و دموکراسی نمایی آمریکا از زبان آمار!

✿ روسای جمهوری آمریکا، نمایندگان واقعی ملت خود نیستند!

این کشور ارائه کرده است که به قرار زیر است:

در هر چهار سال که انتخابات ریاست جمهوری در این کشور برگزار می شود، نسبت شرکت انتخاب کنندگانی که واجد شرایط هستند، کاهش می یابد. مثلاً در سال ۱۹۶۰ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ۶۳٫۸٪ واجدین شرایط، شرکت کرده بودند در صورتی که این رقم در انتخابات سال ۱۹۷۶ به ۵۴٫۴٪ کاهش یافت و ۷ میلیون نفر از مردم آمریکا که واجد شرایط رأی دادن بودند، از دادن رأی خودداری ورزیدند.

کمیتة ای که از طرف یک جمعیت نیکو-

بسیاری از مردم تصویری کنند که در کشور ایالات متحده آمریکا واقعاً دموکراسی و حاکمیت مردم برقرار است و انتخاباتی که بمنظور برگزیدن رئیس جمهوری کشور ایالات متحده آمریکا برگزار می گردد دلیل بر شرکت وسیع مردم در امور کشور و نشانه رضایت افکار عمومی آمریکا است، در حالی که حقیقت غیر از این است.

«جیمز روستون» طی مقاله ای که در روزنامه «نیویورک تایمز» نوشته از عدم توجه و علاقه مردم آمریکا بشرکت در انتخابات، و نیز از سقوط دموکراسی در این کشور، پرده برداشته است و در این زمینه بعنوان نمونه، آمارهایی از انتخابات

# اسلام، اسلام است

مردم به ویژه مردمان فقیر و کم سواد گسترش یافته است.  
(مجله المجتمع سال ۱۰ شماره ۴۶۶ چاپ کویت)

## مکتب اسلام

آمار بالا بخوبی نشان می دهد که زمامداران امریکا تا چه حد از پشتیبانی مردم بی بهره اند، مردمی که رؤسای جمهوری امریکا همیشه بنام آنان سخن می گویند ولی هرگز نماینده واقعی آنان نیستند. مردم امریکا که شاهد سیاستهای استعماری و جنایتکارانه زمامداران خود هستند با خود داری از شرکت در انتخابات در واقع نفرت خود را از این روش ضد انسانی ابراز می دارند نگاه می به میزان شرکت کنندگان در همه.

پرسی ها و انتخابات گذشته در ایران تفاوت این دو را بخوبی نشان می دهد، و حکایت از پشتیبانی عمیق مردم از دولت و قانون اساسی می نماید همه شاهد بودیم که در رأی گیری

به نظام جمهوری اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان و قانون اساسی ۹۸٪ مردم گاهی بیش از این تعداد، شرکت نمودند و در انتخابات ریاست جمهوری در حدود ۷۵٪ انتخاب کنندگان یعنی بیش از ده میلیون نفر از کل چهارده میلیون نفر رأی دهنده به

رئیس جمهوری کنونی رأی دادند (یعنی تقریباً نیمی از کل واجدین شرایط رأی در سراسر کشور) و این، بزرگترین قدرت در پشت سر رئیس جمهوری است که با تکیه بر آن می تواند در تداوم انقلاب، با ابر قدرتها رویارونی کند و بمشکلات پیروز گردد امید است با اجرای برنامه های انقلابی و بنیادی دولت، میزان رأی دهندگان و مشارکت مردم، در هر دوره افزایش یابد

کاری به منظور اصلاح انتخابات امریکا تشکیل یافته بود، ملاحظه کرد که وضع شرکت مردم در انتخابات مجلس سنای امریکا که بعد از سال ۱۹۷۰ برگزار گردید، از این هم بدتر است زیرا تعداد صد میلیون نفر از انتخاب کنندگان واجد شرایط در انتخابات شرکت نکرده بودند.

در سال ۱۹۷۶ از ایالت زادگاه جیمی کارتر، فقط ۲۸٪ مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نموده بودند. فرماندار ایالت نیوجرسی در انتخابات مجددی که در سال ۱۹۷۷ برگزار شد، و در آن به پیروزی رسید توانست کمتر از ۱۵٪ آرای واجدین شرایط انتخاب را بدست آورد و فرماندار نیویورک کمتر از ۱۲٪ آرای واجدین شرایط را بدست آورد.

**«هنری جکسون»** در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری در نیویورک کمتر از ۶٪ آرای واجدین شرایط را جلب نمود!

در اینجا این سؤال پیش می آید که علت این عدم تمایل مردم امریکا بشرکت در انتخابات چیست؟ کمیته ای که از طرف جمعیت نیکوکاری مزبور تشکیل شده بود عللی را در این زمینه معرفی کرده است که از جمله عبارتند از: عدم اعتماد سیاسی مردم به نامزدهای انتخاباتی، کاهش رغبت و علاقه مردم به احزاب، احساس عدم توانائی در ایجاد کوچکترین تغییر و تحول در وضع کشور از طریق شرکت در انتخابات و این احساس، در سطح بسیار وسیعی از